

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال ششم، شماره سوم و چهارم، پاییز - زمستان ۱۴۰۰ [انتشار: تابستان ۱۴۰۲]

سرسخن: بسی رنج درین سال سی / به احیای گنجینه پاریس • باقابه، پاتابه، پاتاره / علم‌نرف ساقی • یادداشت‌های شاهنامه‌شناسی (۳) / ابوالفضل غلصی • یادگار حضور امام رضا در مسجد جامع ساوه / صادالدين شيخ المکماي • رساله نخبة الوزراء تأليف نصرالله دمازندى / قاسم قرب • استدراکاتی بر مقدمه چاپ عکسی تاریخ سیستان (۲) / حمیدرضا بابک / سلمان، اثر سزی • دمیان، دومیان، دمنی / ج. ط. زند (سروش) • دیوان قزخی سیستانی با کتابت عبرت نایینی و حواشی ملک‌الشعراء بهار / محمود عالی‌پور • کتابه چهل‌ستون شاه عباس، سرورده محمد بیگ فرصت / لافله بوجار • تصحیح قصیده بازمانده از شعوری کاشانی در جنگ ابن‌خاتون / علی کاملی • واژه «لُخْم» / محسن ناکرالمصنی «بونده» • آیا کتاب گشایش و زهائش نوشته ناصر خسرو است؟ / محمدرضا نوکنی صابری • نقلی بر تصحیح کتاب بدایع اللوح / میلاد یگدلو • نقلی بر تصحیح کلیات عبید زاکانی به تصحیح محمدجعفر محجوب / محسن تریفی ضمیر • نگامی به کتاب اقلیم مکتوب خدا / ریحانه بهبودی • پیشنهادی در جهت سامان‌دهی پایان‌نامه‌های حوزه تصحیح / سید محمدرضا ابرارلسود • آثار مصطفی عالی اقلندی / نصرانه صالحی • آنگ فلدزیویچ آکیموشکین (۱۷ فوریه ۱۹۲۹ - ۳۱ اکتبر ۲۰۱۰) / الکسی غیسانوین، ترجمه: محمادین کیوانی • گنج زری بود در این خاکدان؛ در گرمی داشت یاد و نام ی. ت. پ. دیروین (۱۹۳۱-۲۰۲۳) / علیرضا سیدغراب • نقلی بر نوشته علیرضا هاشمی زاهد درباره چاپ اخیر منظومه صراط‌المخط / علی صفوی آوندی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
مطبع: مرکز اسناد و کتابخانه ملی  
تهران - خیابان انقلاب  
پلاک ۱۱۸۲



۹۶ - ۹۷

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون،  
نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال ششم، شماره سوم و چهارم  
پاییز - زمستان ۱۴۰۰ [انتشار: تابستان ۱۴۰۲]

صاحب امتیاز:

مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر و سرویراستار: مسعود راستی‌پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ دیجیتال: میراث

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و  
ابوریحان، ساختمان فروردین (شماره ۱۱۸۲)، طبقه دوم.

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir  
gozresh@mirasmaktoob.ir

بها: ۶۰۰،۰۰۰ ریال

روی جلد: نگاره‌ای از کعبه در دستنویسی از شهنامه  
سلطان سلیم، به شماره ۳۵۹۵ در مجموعه احمد ثالث  
در کتابخانه موزه طویق‌پای سرایی، بی‌تاریخ. نسخه به  
رسم خزانه کتب مرادخان بن سلیم خان (حک ۹۸۲ -  
۱۰۰۳ ق) و در همین دوره کتابت شده‌است.

## فهرست

سرخن

بسی رنج بردم درین سال سی / به احیای گنجینه پارسی ..... ۵-۶

بستار

بافتابه/ بافتابه/ بافتاوه / علی‌اشرف صادقی ..... ۷-۸

یادداشت‌های شاهنامه‌شناسی (۳) / ابوالفضل خطیبی ..... ۹-۱۵

یادگار حضور امام رضا در مسجد جامع ساوه / عمادالدین شیخ‌الحکامی ..... ۱۶-۱۸

رسالة نخبة الوزراء تألیف نصرالله دماوندی / قاسم قریب ..... ۱۹-۲۶

استدراکاتی بر مقدمه چاپ عکسی تاریخ سیستان (۲) / حمیدرضا (بابک) سلمانی؛ آرش سزی ..... ۲۷-۲۹

دمنیان/ دومیان/ دمنی/ دومی / ج. ط. نژد (سروش) ..... ۳۰-۳۱

دیوان فرخی سیستانی با کتابت عبرت نائینی و حواشی ملک‌الشعراء بهار / محمود علی‌پور ..... ۳۲-۴۱

کتابچه چهل ستون شاه عباس، سروده محمد بیگ فرصت / فاطمه بوجار ..... ۴۲-۴۸

تصحیح قصیده بازمانده از شعوری کاشانی در جنگ ابن‌خاتون / علی کاملی ..... ۴۹-۵۲

واژه «رُخْم» / محسن ذاکرالحسینی «پزند» ..... ۵۳-۵۷

آیا کتاب گشایش و رهایش نوشته ناصر خسرو است؟ / محمدرضا توکلی صابری ..... ۵۸-۶۳

نقد و بررسی

نقدی بر تصحیح کتاب بدایع الملح / میلاد بیگلر ..... ۶۴-۷۸

نقدی بر تصحیح کلیات عبید زاکانی به تصحیح محمدجعفر محجوب / محسن شریفی صبحی ..... ۷۹-۸۳

نگاهی به کتاب اقلیم مکتوب خدا / ریحانه بهبودی ..... ۸۴-۹۲

پژوهش‌های دبایق

پیشنهادی در جهت سامان‌دهی پایان‌نامه‌های حوزه تصحیح / سید محمدرضا ابن‌الرسول ..... ۹۳-۱۰۵

ایران در متون و منابع عثمانی (۲۴)

آثار مصطفی عالی افندی / نصرالله صالحی ..... ۱۰۶-۱۰۸

آشنایی با سخنرسان و متن پژوهان (۶-۷)

آلگ فدر ویچ آکیموشکین (۱۷ فوریه ۱۹۲۹ - ۳۱ اکتبر ۲۰۱۰) / الکسی خیسماولین؛ ترجمه: مجدالدین کیوانی ..... ۱۰۹-۱۱۳

گنج زری بود در این خاکدان؛ در گرامی‌داشت یاد و نام ی. ت. پ. دبروین (۱۹۳۱-۲۰۲۳) /

علی‌اصغر سید غراب ..... ۱۱۴-۱۲۳

دبایق نوشته‌های بهشتین

نقدی بر نوشته علیرضا هاشمی‌نژاد در باره چاپ اخیر منظومه صراط‌الخط / علی صفری آق‌قلعه ..... ۱۲۴-۱۳۰





### دکتر شهرام آزادیان

(هجدهم آذر ۱۳۵۲ - بیست و دوم تیر ۱۴۰۲)

درگذشت ناگهانی دکتر شهرام آزادیان، استاد دلسوز گروه ادبیات فارسی دانشگاه تهران، موجب دریغ و افسوس بسیار شد و همکاران و شاگردان او را در اندوهی گران فرو برد. گزارش میراث خود را در غم ایشان شریک می‌داند و برای خانواده و دوستان او آرامش و بردباری آرزو می‌کند.  
یادش گرمی و روانش قرین آرامش باد.

## نقدی بر نوشته‌های علی رضا هاشمی نژاد درباره‌ی چاپ اخیر منظومه صراط‌الخط

علی صفری آق‌قلعه

پژوهشگر متون، مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب  
alisafari\_m@yahoo.com

به هر حال، در سطور بعدی به چگونگی تحریفات و انتقادات ایشان خواهیم پرداخت.

● هاشمی نژاد بخشی از مقدمه صراط‌الخط درباره چگونگی بهره‌گیری از نسخه اصل اثر در تصحیح را که کاملاً در موضوع خود صراحت دارد، مطابق هدف خود تغییر داده و بر اساس آن به یادکرد برخی نکات پرداخته است. چون اصل مقدمه کتاب در نشان دادن چگونگی تحریف‌های او تعیین‌کننده است، به نقل آن می‌پردازیم:

خوشبختانه چون نسخه اصل صراط‌الخط در دسترس است، متن اثر به صورت کامل بر اساس همین نسخه یازنویسی و منتشر شده است...<sup>۱</sup> با اینکه متن بر اساس نسخه اصل منتشر شده است، مقابله آن با برخی نسخه‌ها و منابع دیگر سودمند دانسته شد. بویژه که این مقابله، در درست‌خوانی نسخه اصل یاری‌رسان بود...

منتقد محترم مقدمه را چنین تغییر داده است:

استدلال اول «درست‌خوانی نسخه اصل»... با بهره‌گیری از نسخه‌های متأخر است. در مورد استدلال اول: تکیه بر رساله‌های بعدی برای درست‌خوانی و اضافه کردن به متن بر پایه رساله‌های متأخر - در حالی که رساله به خط مصنف را در اختیار داریم - خلاف قواعد امانت است؛ مگر در مواردی که غلط فاحش به متن اصلی راه پیدا کرده است، که البته باید در شرح متن ضمن توضیح، اصلاح شود. (هاشمی نژاد، ۱۴۰۱: ۱۱۵-۱۱۶)

چنان‌که دیدیم، در مقدمه مصححان اشاره شده بود که: ۱. متن کاملاً بر اساس نسخه اصل مؤلف است؛ ۲. مقابله با نسخه‌های دیگر برای «درست‌خوانی نسخه اصل» بوده است؛ «اضافه کردن به متن بر پایه رساله‌های متأخر» تحریف هاشمی نژاد است. صرف‌نظر از این تحریف، باید توجه داشت که اتفاقاً مطابق قواعد تصحیح، مصحح حق ندارد غلط‌های مؤلف را اصلاح کند<sup>۲</sup> و صرفاً می‌تواند

۱. همه تأکیدها در این مقاله از ما است. در جای نقطه‌چین، به موارد مرتبط با رسم‌الخط نسخه اشاره شده است.

۲. در این جا اشتباهات قطعی پدیدآورنده مد نظر است. درباره مسائل و نظریات تصحیح که در دنباله به آن‌ها اشاره خواهد شد، وارد اختلاف‌نظرها و تبصره‌ها و استثنای نمی‌شویم و فقط همین اندازه اشاره می‌کنیم که اگر متن به صورت انتقادی و با گزارش جزئیات ضبط نسخه‌ها منتشر شده باشد،

←

در شماره اخیر گزارش میراث مطلبی از آقای علیرضا هاشمی نژاد با عنوان «شرح آداب خط: درباره تصحیح رساله سلطان علی مشهدی» منتشر شده (هاشمی نژاد، ۱۴۰۱) که به‌عنوان نقدی بر تصحیح جدید رساله صراط‌الخط سلطانعلی مشهدی به تصحیح اینجانب با همکاری خانم حکیمه شریعت‌نیا منتشر شده است. در نقد متون تصحیحی، گاه منتقد دچار اشتباه می‌شود و این یک امر طبیعی است، اما دیده نشده که کسی مطالب درست متن تصحیح‌شده را آگاهانه به شکل‌های نادرست تغییر دهد و آن‌ها را اشتباه مصححان قلمداد کند و همان‌ها را دست‌آویز نگارش نقد کند. سراسر نوشته آقای هاشمی نژاد از این دست است و ایشان ضبط‌های متن را ابتدا تحریف و سپس همان تحریفات خود را رد کرده و این کار را چنان با اطمینان انجام داده که هر خواننده‌ای، ناگزیر، در درستی ادعاهای نویسنده تردید نخواهد کرد؛ چنان‌که اگر مشابه آن به نویسنده این سطور نیز برای داوری سپرده می‌شد، به صرافت آن نمی‌افتاد که ادعاهای ناقد را راستی آزمایی کند. با این شیوه غیراخلاقی، این پرسش به میان می‌آید که اگر نگارش نقد به مرحله تحریف و افترا برسد، آن‌گاه چه اعتباری برای مقوله نقد باقی خواهد ماند؟ قاعدتاً نگارش چنان نقدی با اهدافی جز پیش‌برد علم نوشته شده و ظاهراً نویسنده از انتشار آن و پاسخی که قاعدتاً در پی خواهد داشت و تبعات احتمالی آن هیچ باکی نداشته است.

۱۱ / ۲ در متن کتاب را شاهد آورده‌است:

بیت ۱۱ / ۲ (ص ۴) به متن رساله افزوده شده‌است، در حالی که در متن اصلی نیست و اساساً وجود این بیت هیچ‌گه‌ای از متن نمی‌گشاید.

ایشان توجه نکرده که چون بیت در نسخه‌ی اساس موجود نبوده و در نسخه‌های دیگر پس از بیت ۱۱ قرار داشته، جزو متن به شمار نیامده و با شماره‌ی فرعی ۱۱/۲ نمایش داده شده و ضمناً در پاورقی این توضیحات افزوده شده‌است:

در "ا" موجود نیست؛ از "ب"، "س"، "م" افزوده شد.

یعنی هم شماره‌ی بیت جزو بیت‌شمار متن به حساب نیامده و هم در پاورقی توضیح داده شده که در نسخه‌ی اساس موجود نیست. این کار در چند جای دیگر متن هم اجرا و در همه جا اشاره شده که بیت‌ها از کدام نسخه‌ها افزوده شده‌است. بنابراین، هر کس که با چگونگی ضبط اختلافات نسخه‌ها آشنا باشد درمی‌یابد که موضوع از چه قرار است. اما گشودن گره از متن نیازمند آشنایی با قواعد متن‌شناسی است. مثلاً همین بیت مورد اشاره ناقد در پایان بخش مربوط به نعت پیامبر<sup>ص</sup> آمده‌است:

صلوات خدای بر جانش  
باد بر آل و دوستدارانش

در این جا اشاره به «آل» می‌تواند نشانگر گرایش‌های شیعی سلطانه‌ی یا علاقه‌ی او به اهل بیت باشد.<sup>۴</sup> در دنباله باز به موضوع فایده‌ی این‌گونه اختلافات باز خواهیم گشت، اما در این جا اشاره می‌کنیم که اصولاً هر تغییر معنی‌دار یا افزون و کاستی که در نسخه‌های یک متن دیده‌می‌شود بی‌دلیل نیست. یک احتمال این‌که خود مؤلف در متن تجدیدنظر کرده‌باشد. حتی تغییرات دیگران هم عموماً بی‌دلیل نیست<sup>۵</sup> و بعضاً می‌تواند در جریان

۴. در دستگاه سلطان حسین باقرا و پیرامونیان او، گرایش‌های شیعی یا احترام ویژه به اهل بیت وجود داشته و افرادی چون ملاحسین واعظ کاشفی آثاری چون روضة‌الشهدا را در همان دستگاه پدید آورده‌اند؛ ولی ظاهراً عمومیت در آن دوره و منطقه با اهل تسنن بوده‌است و لذا برخی اشارات نویسندگان آن دستگاه می‌تواند نشانگر چگونگی ارتباطشان با تشیع باشد.

۵. بخشی از دگرگونی‌ها حاصل اختلاف عقاید و تصرف در متن است که

موضوع را در پاورقی یا تعلیقات گوشزد کند؛ چنان‌که ما نیز در سراسر متن چنین کرده و مثلاً واژه «صلایه» را در بیت ۹۳، که به صورت «سلایه» ضبط شده، با این‌که واژه‌ای عربی و از مواردی است که فارسی‌زبان‌ها مجاز به تصرف در آن نیستند، همچنان در متن حفظ کرده و نادرست بودن آن را در پاورقی گوشزد کرده‌ایم. موارد دیگری را هم در دنباله‌ی این مقاله خواهیم دید.

● هاشمی‌نژاد برای اثبات مدّعی خود درباره‌ی «اضافه کردن به متن بر پایه‌ی رساله‌های متأخر» آورده‌است:

عنوان بخش دوم، «در نعت محمد صلی الله علیه و آله و سلم» (ص ۳) است که بر پایه‌ی نسخه «ب» انتخاب شده‌است و مطمئن نیستیم با متن اصلی تطابق داشته‌باشد. در تصحیح نمی‌توانیم استنباط‌های خود را قطعی فرض کنیم و وارد متن کنیم. (هاشمی‌نژاد، ۱۴۰۱: ۱۱۶)

اتفاقاً این از مواردی است که ضرورت استفاده از نسخه‌های جنبی را نشان می‌دهد. دلیلش را هم در پاورقی با تشریح چگونگی ضبط نسخه‌ها آورده‌ایم:

این عنوان در "ا" خوانا نیست، با توجه به مواضع خوانای نسخه و ضبط نسخه "پ" بازخوانی شد. "ب": «در توصیف پیغمبر صلی الله؛ "پ": «در مدح محمد صلی الله علیه و آله گوید».

می‌بینیم که هاشمی‌نژاد ناخوانا بودن بخشی از نسخه‌ی اصل و تکمیل آن با نسخه‌ای دیگر را نادیده گرفته و نشانه "ب" و "پ" را هم، که اختصار دو نسخه متفاوت است، نادرست نقل کرده‌است؛ اما این‌ها اهمیّت چندانی ندارد، پرسش این است که چگونه از عبارت «با توجه به مواضع خوانای نسخه و ضبط نسخه "پ" بازخوانی شد» به «بر پایه‌ی نسخه "ب" انتخاب شده‌است» رسیده‌است؟

● هاشمی‌نژاد باز هم برای اثبات مدّعی خود درباره‌ی «اضافه کردن به متن بر پایه‌ی رساله‌های متأخر» درج بیت

بخش اساسی فرایند تصحیح انتقادی انجام شده و مصحح می‌تواند نظراتش را درباره‌ی شکل درست متن و اشتباهات پدیدآورنده در جایی از اثر - مثلاً تعلیقات - تشریح کند.

۳. "ا" نشانه اختصاری نسخه‌ی اساس است. بقیه نشانه‌های اختصاری که در دنباله آمده مربوط به دیگر نسخه‌ها است.

تصحیح، به مصحح یاری رساند. مثلاً در چند جای نسخه اصل متن ما اغلاطی در معنی یا ساختار قافیه وجود داشته که در نسخه‌های دیگر، به شکل متفاوتی آمده است. همین تغییرات می‌تواند مصحح را از وجود مشکلی در نسخه اصل آگاه کند. البته در متن ما چندان اتفاق نیفتاده، اما در بسیاری از موارد، ممکن است که مصحح بدون آگاهی از تغییرات نسخه‌ها یا حتی تصرف دیگران، نتواند به برخی از مشکلات متن پی ببرد.

● یکی دیگر از شواهدی که هاشمی نژاد در تأیید مدعای «اضافه کردن به متن بر پایه رساله‌های متأخر» آورده، چنین است:

جایگزینی واژه «بشوب» به جای «بشوی» در بیت ۹۲ (ص ۹): «یک دو روزش به صمغ محکم کوب | خانه را از غبار و گرد بشوی». مصححان استفاده از واژه بشوی را در قافیه مصراع دوم بر اثر لغزش قلم سلطان‌علی دانسته و ضبط «بشوب» را، که در نسخه‌های متأخر آمده، صحیح دانسته‌اند...

این جمله از موارد فاحش تحریفات ایشان است، زیرا ما بیت را دقیقاً مطابق نسخه و با همان قافیه (بشوی) در متن آورده و در پاورقی توضیح داده‌ایم که:

قافیه این بیت مشکل دارد و ظاهراً سلطان‌علی در اینجا دچار لغزش قلم شده است. "گ": «غبار پاک بشوب»؛ "ب"، "پ"، "س"، "ه": «غبار پاک بروب» (ضبط نسخه‌های اخیر از دیدگاه قافیه درست است).

یعنی نه تنها «بشوی» در کار ما با «بشوب» جایگزین نشده و همچنان ضبط نسخه اصل را آورده‌ایم، بلکه در پاورقی، تلویحاً به ترجیح ضبط «بروب» که از دیدگاه قافیه و اکثریت نسخه‌ها درست است اشاره کرده‌ایم. ضمناً ناقد متوجه نشده که ضبط «بشوب» که در پاورقی آورده‌ایم، از نسخه‌های اثر نیست، بلکه از گلستان هنر است که در کار ما با نشانه اختصاری "گ" نمایش داده

→ نمونه‌هایی از آن را محمدرضا شفیعی کدکنی در مقاله «نقش ایدئولوژیک نسخه‌بدلها» (نامه بهارستان، پیاپی ۹ و ۱۰، ص ۹۳-۱۱۰) نشان داده است. ۶. در دنباله همین نوشته، در پاسخ یکی از ایرادات ناقد، به یک مورد دیگر خواهیم پرداخت.

شده است. یادکرد ضبط‌های گلستان هنر نیز به مناسبت بررسی ترجمه انگلیسی ولادیمیر مینورسکی در تعلیقات است که در مقدمه به دلایل آن اشاره شده است.

جالب توجه این‌که هاشمی نژاد در بحث و بررسی واژه «شوب» هم به کج‌راهه رفته و نوشته است:

به نظر می‌رسد استفاده از واژه «بشوب» در این موضع، که منظور مصنف زدودن و پاک کردن یا شستن گرد و غبار بوده است، نه تنها نادرست بلکه تا حدی متضاد نظر مصنف است. «شوب» (اگر فعل باشد) به معنی «آمیختن» است (دهخدا، ۱۳۷۷؛ ذیل مدخل) و تناسبی با منظور مصنف، یعنی پاک کردن و زدودن، ندارد. این خطا به تصحیح متن رساله در گلستان هنر، به تصحیح سید کمال‌الدین حاج سیدجوادی نیز راه یافته است.

توضیح اینکه: «شوب» به معنی آمیختن، مصدر عربی و ضبط «بشوب» (اگر چنین چیزی در زبان فارسی باشد) فعل امر است و تا جایی که می‌دانیم، چنین ساختاری (افزودن بای امر بر مصدر عربی) در زبان فارسی چندان رایج نبوده است تا کسی شاهد «شوب» را برای رد «بشوب» بیاورد.

از سویی، آنچه ناقد درباره خطای آقای حاج سیدجوادی نوشته صحیح نیست، زیرا در نسخه‌های گلستان هنر فقط دو ضبط «بشوب» (۴ نسخه) و «بروب» (ظاهراً ۲ نسخه<sup>۷</sup>) وجود دارد که حاج سیدجوادی درست عمل کرده و یکی از دو ضبط متن (یعنی بروب) را که از دیدگاه قافیه و معنی هم مناسب‌تر می‌نماید، در متن آورده و کاری با «بشوی» یا «بشوب» نداشته است. برای اطلاع ناقد محترم افزوده می‌شود که در تصحیح یک متن (در این‌جا متن منقول در گلستان هنر)، ضبط‌های همان متن اصالت دارد و نمی‌توان با منابع دیگر (در اینجا صراط‌الخط) به تغییر آن‌ها پرداخت. صرفاً می‌توان اختلافات دو متن یا ترجیح یکی بر دیگری را در پاورقی یا تعلیقات گزارش کرد، که ما درباره گلستان هنر چنین کرده‌ایم.

● چنان‌که دیدیم، در مقدمه صراط‌الخط اشاره شده بود

۷. از ۸ نسخه‌ای که معرفی شده، مصحح دو نسخه را نداشته است و یکی از دو نسخه را نیز از راه ترجمه انگلیسی مینورسکی از ترجمه روسی زاخودر استفاده کرده، که قاعدتاً فاقد ضبط‌های متن فارسی بوده است.



هاشمی نژاد در ادامه همان عبارات پیشین افزوده‌است:

احتمالاً بر پایه اعتقاد به همین تصرّفات، دیباجه متثور، که در نسخه اصلی و نزدیک‌ترین نسخه به زمان تصنیف، یعنی متن رساله در گلستان هنر... نیز نیامده، به متن افزوده شده‌است.

اتفاقاً یکی از مهم‌ترین دلایلی که استفاده از نسخه‌های دیگر را مستدل می‌سازد، وجود همین دیباجه متثور است که به دلایلی در نسخه اصلی موجود نیست. این دیباجه حاوی اطلاعاتی درباره زندگی سلطانعلی به قلم خود او و از مستندات پژوهشگران - به‌ویژه مهدی بیانی - در نگارش شرح احوال سلطانعلی بوده و الحاق آن توسط دیگران هیچ وجهی ندارد؛ پس باید از نسخه‌های دیگر آورده می‌شد.

هاشمی نژاد در ادامه این انتقاد را طرح کرده‌است:

استدلال دیگر برای مقابله با نسخه‌های متأخر، دسترسی به «نمونه‌ای از تصرّفات دیگران» (همانجا) است. در مورد استدلال آخر: در این مورد که بدعتی بر خلاف جریان تصحیح است، باید توجه کرد که اساساً هدف از تصحیح زدودن تصرّفات است، به‌ویژه زمانی که متن اصلی رساله‌ای را به این پاکیزگی و دقت در کتابت در اختیار داریم. بنابراین، به نظر می‌رسد ضبط اختلاف نسخه‌ها باری غیرضروری بر متن است.

نخست این‌که استفاده از نسخه‌های دیگر با وجود نسخه اصلی مؤلف بدعت نیست. برای نمونه کتاب روضة الکتّاب و حدیقة الالباب اثر ابوبکر بن الزکی المتطبّب القونیوی از روی نسخه اصلی تصحیح شده، اما در آن از سه نسخه دیگر نیز بهره برده شده‌است (قونیوی، ۱۳۴۹). یا مثلاً محمّدتقی دانش‌پژوه متن هدایة الاسماء فی بیان کتب العلماء را با استفاده از نسخه اصلی مؤلف چاپ کرده و با این حال آن را با نسخه‌های دیگر مقابله کرده و اتفاقاً افزوده‌های یک نسخه را نیز به متن وارد کرده‌است (کثوی یزدی، ۱۳۴۸: ۱-۲). آسیب‌دیدگی‌های نسخه، از قبیل پارگی صفحات، محوشدگی واژه‌ها و عبارات، بدخط بودن مؤلف یا ناخوانا بودن مواضعی از متن، از دلایل استفاده از نسخه‌های دیگر است.

از سوی دیگر، بر خلاف نظر هاشمی نژاد، نسخه اصلی

که ضبط‌های نسخه اصلی در متن آورده شده، اما متن را با چند نسخه دیگر و برخی منابع دیگر<sup>۸</sup> مقابله کرده و اختلافات آن‌ها را در پاورقی‌ها ضبط کرده‌ایم. دلایل این کار را در همان‌جا با عبارات زیر تشریح کرده‌ایم:

مقابله آن (نسخه اصلی مؤلف) با برخی نسخه‌ها و منابع دیگر سودمند دانسته شد. بویژه که این مقابله، در درست‌خوانی نسخه اصلی یاری‌رسان بود. ضمن اینکه ممکن است برخی از این اختلاف ضبط‌ها حاصل تصرّفات بعدی خود سراینده در متن بوده باشد. اگر هم چنین نباشد، نمونه‌ای از تصرّفات دیگران در اثر در دسترس خواهد بود.

هاشمی نژاد این استدلال‌ها را نپذیرفته و به گمان خود نقدهای زیر را مطرح کرده‌است:

در مورد استدلال دوم: فاصله بین تصنیف متن و مرگ نویسنده ۶ سال است. ضمن این‌که بعید است در این فاصله تصرّفی در متن صورت گرفته باشد، هیچ گواه متقنی نیز بر تصرّف در متن توسط مصنّف در دست نیست.

پرسش این است که آیا فاصله شش‌ساله از سرایش متن تا درگذشت سراینده، می‌تواند دلیل بر بازبینی نکردن مؤلف در کار خود باشد؟ و آیا باید حتماً چند دهه بگذرد تا مؤلفی در کارش بازبینی کند؟ وانگهی این نکته که «هیچ گواه متقنی نیز بر تصرّف در متن توسط مصنّف در دست نیست» را هاشمی نژاد از کجا دریافته‌است؟ آیا جز این است که دانستن چنین موردی مستلزم بررسی ضبط‌های نسخه‌های دیگر است؟ از سوی دیگر، وجود نداشتن هیچ گواه متقن را چگونه می‌توان اثبات کرد؟ ظاهراً ناقد خود را مصداق «مَن اشارتُه حُکم و طاعتُه غُمن» می‌داند و انتظار دارد مدّعی‌اش پذیرفته شود. در چنین مواردی، مدّعی باید نظر خود را اثبات کند. ضمن این‌که پیش‌تر هم اشاره شد که اصولاً در تمامی اختلافات معنادار نسخه‌ها، یک احتمال هم می‌تواند آن باشد که دست‌کم بخشی از آن‌ها تراویده قلم پدیدآورنده باشد.<sup>۹</sup>

۸. مانند ترجمه انگلیسی ولادیمیر مینورسکی که در خلال ترجمه او از گلستان هنر درج شده‌است.

۹. جز لغزش‌های کاتبان یا تصرّفات قابل تشخیصی که توسط دیگران در یک متن صورت گرفته‌است.

مؤلف دارای دقت در کتابت نیست و ما اغلاط املایی و برخی اشتباهات دیگر را در پاورقی‌ها یا تعلیقات گوشزد کرده و درباره پرغلط بودن کتابت‌های سلطانعلی، سندی از گفتار معاصران او در مقدمه کتاب درج کرده‌ایم (مشهدی، ۱۳۹۹: نوزده). ضبط اختلاف نسخه‌ها در پاورقی هم برای افرادی که با پژوهش متون سروکار دارند امری بدیهی است و چنان‌که اشاره شد، حتی در مواردی می‌تواند یاری‌گر مصحح و دیگر پژوهشگران باشد. برای نمونه، در همان مثالی که ناقد درباره ضبط «بشوی» آورده (البته با تحریف) حتی اگر فرض کنیم که ضبط «بروب» حاصل بازبینی پدیدآورنده نیست، دست‌کم اختلاف نسخه‌ها نشان می‌دهد که دیگران به مشکل قافیه پی برده و سعی در اصلاح آن داشته‌اند. یا مثلاً اگر ضبط «بشوب» در یکی از نسخه‌های صراط‌الخط وجود داشته‌باشد، چون این ضبط ظاهراً ویژه گلستان هنر است، می‌توان احتمال داد که آن نسخه از گلستان هنر بیرون‌نویس شده و شاید بهتر باشد که به‌عنوان یک نسخه مستقل صراط‌الخط در نظر گرفته نشود.

● این‌ها مواردی بود که هاشمی‌نژاد به‌عنوان اغلاط صراط‌الخط مطرح کرده‌بود. اما او در دنباله، در بخشی با عنوان «درباره تغییر نام رساله» به نام اثر پرداخته‌است. ما در مقدمه اشاره کرده‌ایم که سلطانعلی نامی بر اثر نهاده و لذا نام صراط‌الخط که در کهن‌ترین سند شناخته‌شده درباره نام این رساله (یعنی مدادالخطوط میرعلی هروی) درج شده، به‌عنوان نام اثر برگزیده‌شد. در همان‌جا، اسناد متون درباره نام اثر را نقل کرده و بقیه را به نوشته بیانی ارجاع داده‌ایم که اشاره دارد نام «صراط‌السطور» را متأخران بر آن نهاده‌اند (مشهدی، ۱۳۹۹: هجده-نوزده). با این حال، نام صراط‌السطور را چون در سال‌های اخیر استفاده شده، به‌عنوان نام دوم بر روی جلد در پرائنتز آوردیم تا خطایی پیش نیاید. هاشمی‌نژاد در نوشته خود همان اسناد را بازنویسی کرده و با نادیده گرفتن استدلال ما مبنی بر استفاده از کهن‌ترین سند، پیشنهاد کرده که بر اساس بیت زیر از همان صراط‌الخط، بهتر است نام اثر به شرح آداب

خط تغییر داده‌شود. بیت چنین است:

شرح آداب خط ز بیش و ز کم  
کردم آخر در این رساله رقم

ما در همان مقدمه کتاب اشاره کرده‌ایم که واله داغستانی در تذکره ریاض الشعرا همین نام آداب خط را ظاهراً با توجه به بیت یادشده برای رساله سلطانعلی آورده<sup>۱</sup> و افزوده‌ایم که:

باید توجه داشت که سلطانعلی در این بیت صرفاً توضیح داده که آداب خط را در رساله شرح کرده و این نمی‌تواند نشانگر نام اثر باشد. (همانجا)

ظاهراً هاشمی‌نژاد استدلال‌ها را نادیده انگاشته و قدمت اسناد را هم معتبر ندانسته و چنان شیفته پیشنهاد خود شده که آن را به‌عنوان نام نقد خویش برگزیده‌است.

● ناقد در بخشی با عنوان «درباره شرح برخی ابیات و اصطلاحات» آورده‌است:

در بیت ۱۰۰ (ص ۱۰): «زور بازو ازو دریغ مدار | ورنه می‌دان که کرده‌ای بیگار» مصححان پیشنهاد جایگزینی «پیکار» به‌جای «بیگار» را در مصرع دوم داده‌اند. توضیح این‌که پیشنهاد ایشان ارتباطی به معنی بیت ندارد...

سپس درباره معنی بیگار توضیحاتی برای خواننده آورده‌است (واژه‌ای که به‌صورت «بیگاری» هنوز هم رایج است) تا نظر خود را اثبات کند. همه این‌ها در حالی است که اصولاً این بیت در تعلیقات شرح نشده و فقط در متن اثر، در پاورقی آورده‌ایم:

"۱": «پیکار»؛ ضبط «پیکار» هم می‌تواند درست باشد. (سلطانعلی، ۱۳۹۹: ۱۰)

در این‌جا اهمیت چندانی ندارد که ناقد با معانی (حقیقی یا مجازی) پیکار در زبان فارسی آشنا هست یا نه، اما این‌که چگونه جمله: «پیکار هم می‌تواند درست باشد» را به این جمله تغییر داده: «مصححان پیشنهاد جایگزینی پیکار به جای بیگار را در مصرع دوم داده‌اند» نشانگر میزان آشنایی او با زبان فارسی است.

۱۰. هاشمی‌نژاد این نکته را مسکوت گذاشته‌است.



از شخصی یا چیزی به کار می‌برند و کشیده را در موارد محترمانه، و ما صورت اخیر را به کار برده‌ایم. بنابراین اگر ناقد دراز را ترجیح می‌دهد الزامی برای دیگران در پیروی از او ایجاد نمی‌کند، زیرا در چنین مواردی عرف زبانی معیار است.

● آنچه هاشمی‌نژاد در دنباله نوشته‌اش درباره‌ی عین فم‌الاسد و فم‌الثعبان نوشته، ناشی از برداشت نادرست از تعلیقات این اثر است. اشاره ما به نامفهوم بودن سروده سلطانعلی بوده است، به‌ویژه که رساله او در آموزش خط نستعلیق است. می‌دانیم که کاربرد این دو نوع سرعین در خط ثلث وجهی دارد و به تفاوت ظاهری آن‌ها می‌انجامد، اما در نستعلیق، آن را از اصول خارج می‌کند. این نکته درباره‌ی عین فم‌الاسد و فم‌الثعبان در تعلیقات سومین اثر از مجموعه‌ای که قرار است برای دستنامه خوشنویسی منتشر شود، با تفصیل بیش‌تری، توضیح داده شده که متأسفانه انتشار آن به تعویق افتاده است.

نکته دیگر این‌که ما در تعلیقات همان بیت، به منابع مربوط به توصیف این دو نوع عین در ثلث اشاره کرده‌ایم. در کتاب رساله در اصول و قواعد خطوط، که اخیراً به تصحیح نگارنده منتشر شده است نیز، کاربرد و اختلاف این دو نوع عین در خط ثلث به سادگی تشریح شده است (ناشناس، ۱۴۰۱: ۵۲-۵۳)، اما ناقد با ارجاع به همان منابع و القاء این تصوّر که مصححان صراط‌الخط این نکته را در نیافته‌اند، به ارائه توضیحی درباره‌ی آن پرداخته است. با این وجود نمونه‌هایی که ناقد برای دو نوع عین در قلم ثلث آورده است نشان می‌دهد که موضوع را به‌درستی در نیافته و ضمناً دو نمونه نستعلیقی هم که آورده اصولاً تفاوتی با یکدیگر ندارد. خوب است که ناقد اگر قصد پاسخ دادن به نوشته کنونی را دارد تفاوت آن دو نمونه را کمی آسان‌تر تشریح کند تا برای امثال نگارنده روشن شود.

\*\*\*

بخش دیگر نوشته ناقد، با عنوان «درباره شرح رساله به‌قلم محمدعلی رجبی»، ارتباطی به تصحیح ما ندارد تا به آن پاسخ داده شود.

● هاشمی‌نژاد در دنباله درباره‌ی وجه تسمیه «نسخ تعلیق» پیشنهاد کرده است:

از آن‌جا که شبهاتی در مورد این وجه تسمیه وجود دارد، بهتر بود مصححان به شبهات در خصوص وجه تسمیه و همچنین جایگاه میرعلی تبریزی<sup>۱۱</sup> اشاره می‌کردند.

این پیشنهاد ارتباطی با تصحیح متن ندارد و صرفاً شبهه‌ای است که در ذهن ناقد وجود داشته است. او پیش از این هم مقاله‌ای با عنوان «درباره وجه تسمیه و علل پیدایش خط نستعلیق» درباره‌ی این موضوع نوشته است که در جای دیگر باید بدان پرداخت. اما درباره‌ی پیشنهاد او مبنی بر پرداختن به میرعلی تبریزی، باید اشاره کنیم که نویسنده این سطور در مقاله «کهن‌ترین نمونه‌های شناخته‌شده از نستعلیق تبریزی تا سال ۸۰۰ق و ارتباط آن با دستگاه آل‌جلایر در تبریز و بغداد» به زندگی میرعلی تبریزی و آمیختن مشخصات او با یکی از معاصرانش به تفصیل پرداخته و عجیب است که ناقد محترم آن مقاله را ندیده است. اتفاقاً در آن مقاله به اشتباهات هاشمی‌نژاد در شناساندن نسخه مشهور دیوان سلطان احمد جلایر در گالری فری‌یر اشاره شده، و این‌که او نسخه را که فاقد انجامه و در نتیجه بدون نام کاتب است، «با رقم میرعلی» دانسته و در یک جا کتابت آن را از حدود ۷۹۸ق و در جای دیگر از حدود ۸۰۳ق گفته و برخی تصاویر را هم اشتباه چاپ کرده است (صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۹: ۶۵، پاورقی ۱).

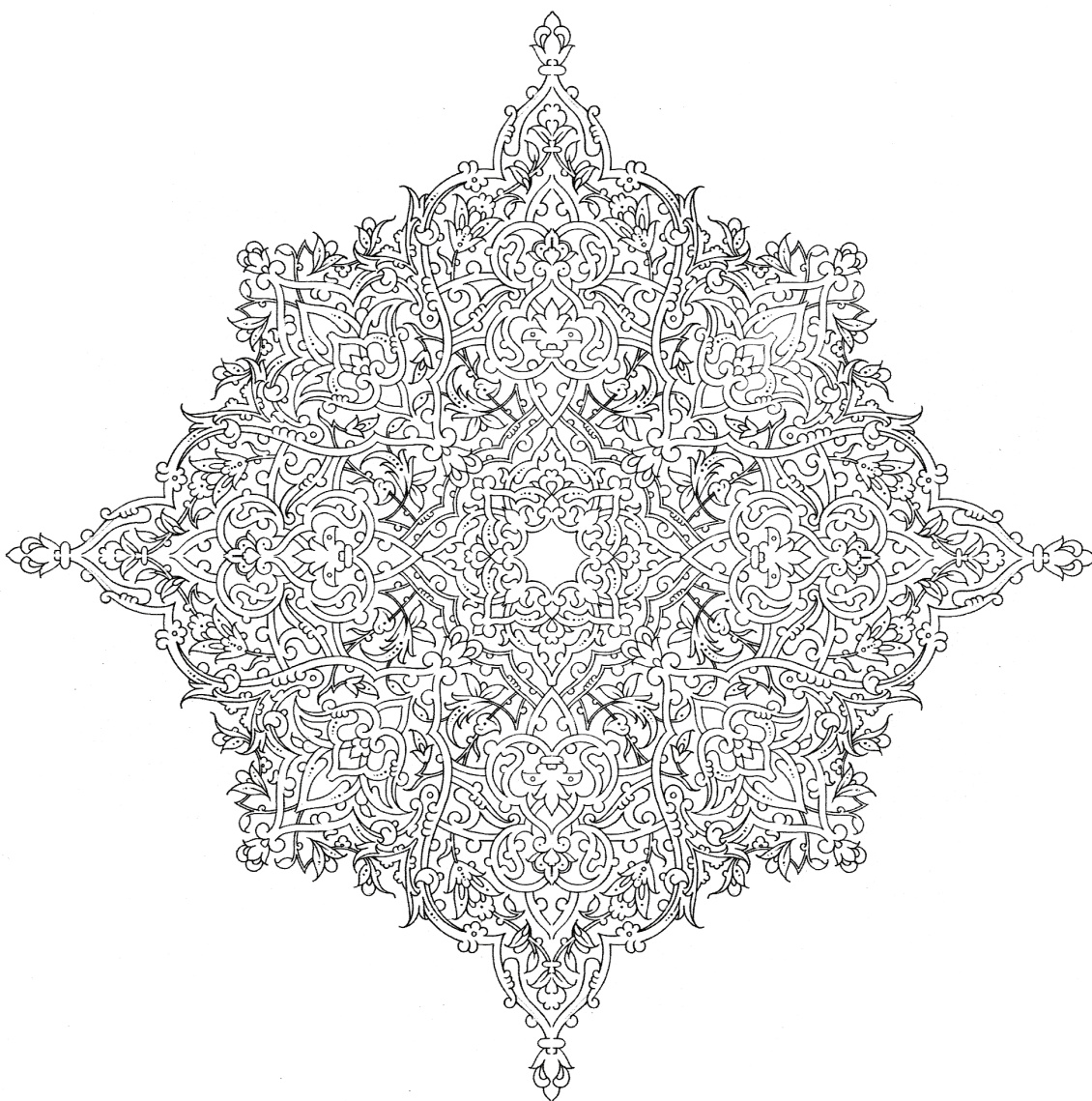
● هاشمی‌نژاد در جای دیگر، کاربرد واژه «کشیده» در عبارتی که ما در تعلیقات آورده‌ایم<sup>۱۲</sup> را نادرست دانسته و به جای آن «دراز» یا بلند را پیشنهاد کرده است. به نظر می‌رسد هیچ کدام از این واژه‌ها اصطلاحاتی با تفکیک معنایی در خوشنویسی نیست تا کاربرد یکی به جای دیگری غلط باشد و آنچه ناقد مطرح کرده صرفاً یک سلیقه زبانی است. ضمن این‌که باید توجه داشت امروزه دراز را معمولاً در معانی غیرتکریمی یا یادکرد توهین‌آمیز

۱۱. در اصل مقاله چنین است.

۱۲. عبارت این است: «در بیت ۲۰۳ آمده که اول کاف اگر کشیده باشد بهتر است...» (سلطانعلی، ۱۳۹۹: ۵۶).

### منابع

- صفری آق‌قلعه، علی (۱۳۹۹). «کهن‌ترین نمونه‌های شناخته‌شده از نستعلیق تبریزی تا سال ۸۰۰ ق و ارتباط آن با دستگاه آل‌جلایر در تبریز و بغداد». گزارش میراث، پیاپی ۸۲-۸۳: ۵۵-۸۵.
- قونیوی، ابوبکر بن الزکی المتطبیب (۱۳۴۹). روضة‌الکتاب و حدیقه‌الالباب. تصحیح میر و دود سید یونسی. تبریز: انتشارات دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز.
- کثوی یزدی، حسن بن علی (۱۳۴۸). «هدایة الاسماء فی بیان کتب العلماء». به‌کوشش محمدتقی دانش‌پژوه. نشریه نسخه‌های خطی، دفتر ششم: ۱-۶۲.
- ناشناس (۱۴۰۱). رساله در اصول و قواعد خطوط. به‌کوشش علی صفری آق‌قلعه. تهران: میراث مکتوب.
- هاشمی نژاد، علیرضا (۱۴۰۱). «شرح آداب خط: درباره تصحیح رساله سلطانعلی مشهدی». گزارش میراث، پیاپی ۹۴-۹۵: ۹۵-۱۱۵-۱۲۱.



## Table of Contents

### Editorial

In Thirty Years, I've Withstood Great Misery's Thrust/ To Save Persian literature, a Treasure Robust ..... 5-6

### Articles

*Bāftāba/ Pāftāba/ Pāftāwa* / Ali Ashraf SADEGHI ..... 7-8

*Shahname* Studies Notes III / Abolfazl KHATIBI ..... 9-15

A Relic of Imam Reza's Presence in the Great Mosque of Sāveh / Emadoddin SHEYKHOLHOKAMAEI ..... 16-18

*Nukhbat al-Wuzarā* Treatise, Penned by Naṣr Allāh-i Damāwandī / Ghasem GHARIB ..... 19-26

A Few Remarks on the Introduction of the Facsimile Edition of *Tārīkh-i Sīstān* II / HamidReza (Babak) SALMANI; Arash SERRI ..... 27-29

*Dumanīān/ Dūmanīān/ Dumanī/ Dūmanī* / J. T. NAJAND (Soroush) ..... 30-31

The *Dīvān* of Farrukhī-yi Sīstānī Copied by 'Ebrat-e Nā'īmī, Annotated by Malek al-Šo'arā Bahār / Mahmoud ALIPOUR ..... 32-41

The Inscription of Shah 'Abbās II's Chihil Sutūn, Composed by Muḥammad Bayg-i Furṣat / Fatemeh BOUJAR ..... 42-48

Editing of an Extant Qaṣīde by Šu'ūrī-yi Kāšānī in the Anthology of Ibn-i Khātūn / Ali KAMELI ..... 49-52

On the Word *Rukhum* / Mohsen ZAKEROLHOSEYNI "Parand" ..... 53-57

Did Nāṣir-i Khusraw write *Gušāyīš wa Rahāyīš* (Knowledge and Liberation)? / MohammadReza TAVAKKOLI SABERI ..... 58-63

### Reviews and Critiques

A Review of the Edition of *Badāye' al-Mulah* (Droll Novelties) / Milad BIGDELOU ..... 64-78

A Review of the *Kullīyyāt-i* (collected works of) 'Ubayd-i Zākānī Edited by Mohammad Jafar Mahjoub / Mohsen SHARIFI SAHI ..... 79-83

A Look at *The written world of God* / Reyhane BEHBOUDI ..... 84-92

### Essays on Research

A Proposal for Organizing Dissertations on Text Editing / Seyyed MohammadReza EBNORRASOUL ..... 93-105

### Iran in Ottoman Texts and Sources (25)

Works of Mustafa 'Āli Efendi / Nasrollah SALEHI ..... 106-108

### Introducing Codicologists and Textual Scholars (6-7)

Oleg Fedorovich Akimushkin / Majdoddin KEYVANI ..... 109-113

A Shining Gem in This Earthly Sphere: In memory of J.T.P De Bruijn / AliAsghar SEYED-GOHRAB ..... 114-123

### On the Previous Articles

A Response to AliReza Hasheminejad's Review of the New Edition of *Širāf al-Khaṭf* (The Principle of Calligraphy) / Ali SAFARI AQ-QALEH ..... 124-130